تاریخ بلوچستان از تصنیف ملائی صاحب مستوار المہری مفتی بلوچستان

تاریخ قدیم بلوچ بقول مولف ۔ یہ قوم ملک حلب سے آئے بلوچستان آکر بس میں آئی ہے

1 پہلے قوم رند بلوچ لشکر میر چاکر رند لیکر قلات پر قبضہ کیا۔ پھر چاکر ضلع منٹگمری میں جا کر آباد ہوا اور وہاں مر گیا۔

پھر قوم **بروہی** ملک قلات سے لشکر کر قابض ہوئی۔

بلوچ سردار اپنا شجرہ نسب غلمشن روحی کو پہنچاتے ہیں اس کی قومیں نسب میں **رند** ۔ **لاشار** ۔ ہوت ۔ ہوت میں اور سالوں میں **رئیسانی** جو گور لل سے خارا لال لاہیستان میں آباد ہیں۔

به فارس نوح سام را گفتند و همه ستیون بوده

جهنم را زمین بهشت اسم — باشد عرب دشت اسم —

و سوم بابل فلسطین و بیت المقدس — اورشلیم را ناصره که از آنجا هشتم مسیح بود بیت المقدس

— مدین ابن ابراهیم از بطن قطورا که زن او بوده ۱۲۰۵

ظهور موسی در مصر ۱۴۹۱ سال قبل از میلاد بوده

تسخیر بیت المقدس به دست بخت النصر ۹۹۹ بعد از وفات موسی بوده —

ولادت عیسی بعد غرق فرعون ۱۱۵ سال پس بوده ۱۲۰۵

و حضرت پسران ابراهیم بن سام اند — دیگر آن دختران پسران هیکل اند —

لودشمر سام بن سام اند و همه ارمنیه —

یا طراکی

یونانیان ... دختر شاه ... ایلینه زوجه منیلاوس شاه یونان را تسخیر کرده

یونانیان بعد محاصره دوازده سال در شهر او قتل عام کرده آنرا ویران کردند —

یونانیان گریخته به ملک ... آمد و ... نامی ... لشکر کشید

و همه لدر شی و عدد شو

شخصی ... پادشاه یونان ... ظالم ... ۹۰۰ ... گذشته

که بعد ... یونانیان ... به ... کوچک ... آباد شدند

بعض کسان دارند که بغیر یک فرقه دیگر ناجی نمی آفرینند مگر این تحقیق آن
عقیده نشدند چرا که کفر در اسلام شرعی احکام اند در کفر نبودند
غرض اسلام اصول اختلاف را بیان نمی کردند -

در فرقه های کفار نصاری - ملکائیه - یعقوبیه - نسطوریه -
یهودی عنانیه - عیسویه که تابع عیسی اصفهانی اند - مقاربیه - سامریه
شمعثیه - مجوسیه ولصیانیه - مانویه - زردشتیه - مرقونیه
مزدکیه -

و آنانکه منکر رسول الله هستند یعنی لا دانستن بت پرست اند در عبادت
عبادت و طاعت چنین هستند ایشان را معطله و دهریه گویند -

علم الآخرت

(۱) اسرار طهارت - طهارت چار مرتبه دارد اول ظاهر را از پلیدی
پاک کردن در رفع حدث غسل و وضو - دوم اعضا را از گناه
محفوظ داشتن - سوم دل را از عادات ناشایسته و خیالات
پاک کردن - چهارم دل را از غیر الله خالی کردن

(۲) اسرار صلوة فائده نماز از وقت حاصل می شود که شش امر در دل نماز حاصل شود -
حضور دل که بغیر خدا در نماز دیگر هیچ طرف خیال متوجه نشود -
معانی نماز خیال بفهمد تا دل مطابق زبان باشد - تعظیم نماز الهی عظمت معبود

مجلس شد - هیبت نفس چون اعلیه ... در نظر مسعود
فضیلت واقع شود - امید است که الله الکریم این گناه را عفو فرماید
شرم که من مثل ایشان پیش جناب الهی بیایم -

(۳) درس دوازده فائده دهمین این است که ربع را حب دنیا رهی باید
زیرا که بدترین گناهان است لحدیث حب الدنیا راس کل خطیئة پس
زکوة مال گدایا قطع تعلق شد حب دنیا است - بدین معنی سبب محبت دنیا خوب است

(۴) درس سیزده - معنی ربع الایمان است چرا که رسول فرموده که روزه نصف
صبر است و صبر نصف ایمان است - ربیع عبادات علما رضوان الله علیهم گفته اند لقوله تعالی
الصوم لی و انا اجزی به چرا که بین عبادات هیچکس لغیر الله تعالی
نمی باید پس این عبادت مخصوص برای حق است و دوم اینکه قوت شهوانی و غضبانی به روزه
کم می شود که بعضی البشر شیطان بر انسان غلبه شدند پس روزه اسیر شده
روزه صاحب نفس شیطان محفوظ می دارد

(۵) درس ربع - جمال ... در ماه سفر کننده لا بد است که هر کس حب دنیا [illegible]
هنر ابا باید که دل دنیا نیز با این امور جور شود تا که ترک کل عیوب در حلقه [illegible]
تا که بدن ... [illegible] ... سفر اختیار [illegible]
[illegible] ... الله ... [illegible]
دنیا ... بود و حضور در قیامت ... شدند نه خواهد بود -

Scanned with CamScanner

(۶) دستور تلاوت قرآن مجید و آداب آن — اول باوضو باشد

لقوله تعالی لا یمسه الا المطهرون — دوم وقت تلاوت بسیار عزت و عظمت ملحوظ کند

چرا که کلام الهی از الفاظ و معانی از همه کلام ها زیاده فصیح و بلیغ است —

سوم قصد دل حاضر دارد و به دیگر چیز خیال نه کند — چهارم در معانی او سر دل غور

و خوض کند — پنجم مرتبه هر آیه را بجا آرد یعنی آیات رحمت و آیات صفات

و آیات احکام شرع را علیحده معلوم کند — ششم تعظیم کند یعنی وقت تلاوت

به چنین عبد عظمت خداوند ملحوظ کند — هفتم با شوق است به تکلف نه کند

و از آیات متاثر شود یعنی به وقت تلاوت آیات الله صفات و وعده و وعید ترس هیبت الله جل جلاله

غالب شود و بر آیات وعده و وعید دل ش هم دراز تر گردد — نهم هر جا

[illegible]

محسوس شود که گویا کلام الهی را بلا واسطه می شنود — دهم تلاوت

خود عزیز نه کند —

(۷) ترتیب اوراد — اوقات اوراد در هر روز هشت است — اول از طلوع صبح

تا طلوع قرص آفتاب — چنانچه الله تعالی درین وقت تسبیح یاد فرمود لقوله تعالی

والصبح اذا تنفس — دوم آنکه آفتاب برابر نیزه بلند شود این وقت اشراق

لقوله تعالی یسبحن بالعشی والاشراق — سوم وقت چاشت یعنی

ضحی که حق تعالی سوگند آن یاد کرده لقوله تعالی والضحی واللیل اذا سجی

چهارم نزد وقت زوال تا نماز ظهر — پنجم در نماز ظهر تا نماز عصر — ششم
وقت نماز عصر تعقیبات تا والعصر ان الانسان لفی خسر — هفتم وقت
غروب آفتاب تعقیبات تا فسبحان الله حین تمسون وحین تصبحون

اوقات اوراد شب پنج است

(۱) تعقیبات نماز شام و نماز عشاء — دوم در نماز عشاء تا وقت خواب — سوم آنکه با وضو خواب کند تا روح مؤمن تا قیامه در فکر مشغول شود — و فضائل با وضو خوابیدن را بسیار احادیث شریفه مذکور است — چهارم در وقت آنکه بعد نصف اللیل به عبادت مشغول شود — که آنرا تهجد گویند — پنجم در آخر شب تا صبح مشغول عبادت شود تعقیبات و بالاسحار هم یستغفرون

آداب دعا (۱۰)

اول آنکه در اوقات متبرکه دعا کند — دوم در حالات متبرکه مثلاً محاربه با کفار دعا کند — سوم رو به قبله دعا کند — چهارم با ثنا و درود دعا خفی ولا الحاح دعا کند — پنجم تضرع و خفیه تا ممکن ادا کند — ششم آنکه بر نفس خود تا ممکن مبالغه — هفتم در دعا مبالغه کند و الحاح کند سه بار تکرار کند — هشتم آنکه یقین کند که دعای خیر قبول خواهد شد — نهم آنکه تسبیح در دعا صفت و صد درود کند — باز دعا بخواند — دهم آنکه تمام گناهان توبه کند و هم در مظالم مردم رفع کند.

علم الدعوات

در ذکر دعاہائے کہ ائمہ از انبیاء و اولیاء بما تواتر منقول است ۔ بر توسل انبیاء و اولیاء و ببیت المقدس و ببیت اللہ زیادہ تر دعا قبول می شود ۔ و ائمہ اہل سلام می فرمایند کہ بندہ ہمیشہ بہر وقت در دعا مشغول باشد ۔

(۱) دعای حضرت آدم کہ در وقت توبہ خواندہ بود و قبول شد ۔ اللهم انک تعلم سری وعلانیتی فاقبل معذرتی وتعلم حاجتی فاعطنی سؤلی وتعلم ما فی نفسی فاغفر لی ذنوبی ۔ اللهم انی اسئلک ایمانا دائما یباشر قلبی ویقینا صادقا حتی اعلم انہ لن یصیبنی الا ما کتبت لی ورضنی من العیش بما قسمت لی ۔ چون آدم این دعا خواند قبول شد و حق تعالی فرمود ہر کہ از اولاد تو این دعا بخواند قبول خواہد شد و غم از دلش دور کنم و او را از درویشی و تنگدستی محفوظ کنم و [illegible] دنیا را بر در جمع خلاص کرد ۔

(۲) دعای حضرت ابراہیم ۔ اللهم هذا خلق جدید فافتحه علی بطاعتک واختمه لی بمغفرتک ورضوانک وارزقنی فیه حسنة تقبلها منی وزکها وضعفها لی وما عملت فیه من سیئة فاغفر لی انک غفور رحیم ودود کریم ۔

(۳) دعای حضرت عیسی ۔ اللهم انی اصبحت لا استطیع دفع ما اکره ولا املک نفع ما ارجو واصبح الامر بید غیری واصبحت مرتهنا بعملی فلا فقیر افقر منی اللهم لا تشمت بی عدوی ولا تسؤ بی صدیقی ولا تجعل مصیبتی فی دینی ولا تجعل الدنیا اکبر همی ولا تسلط علی من لا یرحمنی ۔

(۴) دعای حضرت خضر ـ حضرت خضر و الیاس ہر سال بعد ملاقات رخصت ہوتے وقت

یہ دعا پڑھتے ہیں ۔ بسم اللہ ما شاء اللہ ۔ لا حول ولا قوۃ الا

باللہ ما شاء اللہ ۔ کل نعمۃ من اللہ ۔ ما شاء اللہ ۔ الخیر کلہ بید اللہ ۔

ما شاء اللہ ۔ جو شخص یہ کلمات پڑھے وہ ڈوبنے اور ڈوبنے اور جلنے سے

محفوظ رہتا ہے ۔

(۵) دعای رسول مقبول کہ بہ حضرت ابا بکر صدیق تعلیم کرد ۔ اللھم انی اسئلک

بمحمد نبیک و ابراہیم خلیلک و موسیٰ نجیک و عیسیٰ کلمتک و روحک

و بتوراۃ موسیٰ و انجیل عیسیٰ و زبور داؤد و فرقان محمد صلی اللہ علیہ وسلم و بکل وحی اوحیتہ

او قضاء قضیتہ او سائل اعطیتہ او غنی اقنیتہ او فقیر اغنیتہ او ضال

ہدیتہ و اسئلک باسمک الذی ثبت بہ ارزاق العباد و اسئلک باسمک

الذی وضعتہ علی الارض فاستقرت و اسئلک باسمک الذی وضعتہ علی

السموات فاستقلت و اسئلک باسمک الذی وضعتہ علی الجبال فارست

و اسئلک باسمک الذی استقر بہ عرشک و اسئلک باسمک الطاہر الاحد الصمد الوتر

المنزل فی کتابک من لدنک و اسئلک باسمک الذی وضعتہ علی النہار فاستنار و

علی اللیل فاظلم و بعظمتک و کبریائک و بنور وجہک الکریم ان ترزقنی القرآن و العلم

و تخلطہ بلحمی و دمی و سمعی و بصری ۔ و تستعمل بہ جسدی بحولک و قوتک فانہ لا حول

ولا قوۃ الا بک یا ارحم الراحمین ۔

۶ ۔ دعائیکہ آنحضرت بہ فاطمہ زہرا تعلیم کرد ۔

(یا حی یا قیوم برحمتک استغیث لا تکلنی الی نفسی طرفۃ عین واصلح لی شأنی کلہ)

(۷) دعائے حضرت عائشہ کہ آنحضرت صلعم نے فرمایا: اللھم انی اسئلک من الخیر کلہ
عاجلہ و آجلہ ما علمت منہ وما لم اعلم واسئلک الجنۃ وما قرب الیھا من قول او
عمل واسئلک من الخیر ما سألک عبدک ورسولک محمد واستعیذک مما
استعاذ منہ عبدک ورسولک محمد ﷺ واسئلک ما قضیت لی من امر ان
تجعل عاقبتہ رشدا برحمتک یا ارحم الراحمین۔

(۸) دعائے ابو درداء رضی اللہ عنہ۔ آنحضرت سے روایت کی ہے کہ جو شخص یہ دعا
رات کو یا دن کو پڑھے وہ تمام آفتوں سے محفوظ رہے گا۔
اللھم انت ربی لا الہ الا انت علیک توکلت
وانت رب العرش العظیم لا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم ما شاء اللہ کان
وما لم یشأ لم یکن۔ اعلم ان اللہ علی کل شئ قدیر وان اللہ قد احاط
بکل شئ علما۔ اللھم انی اعوذ بک من شر نفسی ومن شر کل دابۃ
انت آخذ بناصیتھا ان ربی علی صراط مستقیم۔

طب

خواص میوہ جات

۱ انگور — گرم و تر در اول بعض رسیدہ مولد خون صالح و مسمن بدن — و ملین طبع۔
نیم پختہ اش لطیف تر و تسکین النفخ — غورہ اش سرد و خشک مفید صفراوی۔

۲ انجیر — گرم و خشک در اول سریع الاستحالہ — ملین طبع و مغذی لیکن مورث حرارت
موجب پیچش و قولنج — و محرق اخلاط بکثرت خوردن مولد قمل در بدن۔

۳ زردآلو — سرد و تر در دوم — مضر معدہ — و مغلظ و نوشیدن آب بعد بالای آن [illegible]

۴ شفتالو — سفرنگ — آلو بخارا — در دوم سرد و در اول خشک — و بہی را بالای
ہیچ گاہ و میوہ نباید خورد و نیز بر بالای آن آب سرد نخورد۔

۵ آلوچہ — در دوم سرد و تر — شیرینش اسہال آرد و ترشش سرد و تر و [illegible]

۶ لغام — سرد و تر در اول — و ترشش سرد در دوم — و مقوی دل و مقوی معدہ لیکن ثقیل است

۷ امرود — سرد و خشک در اول — ترشش کم غذا لطیف جا دارد۔

۸ بہی — سرد در اول و خشک در دوم و مجفف طبع — قابض و مفرح و ترش [illegible]

۹ انار شیرین — معتدل و مغذی — و در معدہ کم مولد صفرا — (انار ترشش سرد و خشک
و دابغ و ملطف — مفید جگر گرم و معدہ محرورین — و مقوی شہوت
و مسکن عطش۔

۱۰ توت شیرین — حار — مصدع محرورین — مصلح آن سکنجبین — توت ترش
مسکن صفرا و ملین طبع۔

خربوزه - سرد و تر بدرجه دوم لیکن طراوتش نه بقدر تخمش زمین ... بیشترش معتدل و رطوبتش الطف - و سریع الهضم - ...

خواص میوه‌ها خشک

۱ خرما - گرم و تر ... مختلف الیات

۲ زبیب (منقی) - کشمش انگور خشک - در رطوبتش معتدل مفید حلق و سینه و مقوی ...
مسمن جگر مصفی سینه و معده و بلا مضرت

۳ مویز - یعنی کشمش در سایر خواص قریب به زبیب لیکن نفع هم می کند

۴ انجیر خشک - مفید درد کمر و تقطیر البول مصفی و مقوی گرده مصفی سینه -
و مزید قوت باه (بیهی) ملین طبع - مخرج اخلاط عفنه از مثانه

۵ چار مغز - گرم بدرجه دوم خشک معتدل - تازه اش بیش - دیر سریع الهضم -

۶ بادام - حار در اول مصفی سینه و شش و جگر و طحال و گرده -
معتدل به سردی و گرمی - مفتح سده جگر و گرده -

۷ پسته - سرد در اول - غلیظ - و ثقیل -

۸ عناب - ملین سینه - مضر معده - و مبرد خون جوشنده -

خواص شیرینی‌ها

شهد - حار در دوم -

شکر - معتدل

فانید (شکر سرخ) گرم و تر در اول در غلظت از شکر - مفید سینه ملین طبع -

تدابیر حفظ الصحه اغذیه در طعمه

(۱) طعام را وقت گرسنگی صادق خورد ـ و در آن تأخیر نه کند ـ و قبل از آن گرسنگی احساس کند

(۲) غذای دوم بعد از هضم اول بخورد و تقلیل بیش تر

(۳) بعد از ریاضت و مشقت طعام هم فوراً نخورد شکم و ضعیف چرک که تا معده شروع به هضم اختلاط می شود.

(۴) در یک وقت چندین قسم طعام ها نخورد که ضرر پیدا می کند.

(۵) صبح را در ناشتا باید که چند لقمه طعام با شیر یا شربت بخورد تا شب گرسنه را نخورد

(۶) اغذیه ملایم سوای صحت است لیکن قوی چندان نمی باشد ـ

(۷) افراط بر کثرت میوه ها خون را بی جوش می کند ـ و زنان عفونت شکم پیدا بلغمی می شوند ـ

(۸) اغذیه خشک اشتها را کم می کند و رنگ چهره را سیاه می گرداند ـ

(۹) اغذیه چرب سستی پیدا می کند و اشتها را کم می کند

(۱۰) اغذیه شور و نمکین چشمان را نقصان می رساند ـ

(۱۱) افراط ترشی ها زود پیر می گرداند ـ

(۱۲) تلخ و دوغ و غوره در یک وقت نباید خورد ـ

(۱۳) در بالای شفتالو یا زردآلو دیگر چیزی نخورد ـ

(۱۴) در بالای انار ترش یا دیگر میوه ترش چیزی دیگر نخورد ـ

Scanned with CamScanner

(۱۵) و برنج با آلاء چیز مخلوط یعنی سرکه آمیز نخورد۔

(۱۶) پنیر تازه و شیر با انواع میوه تازه استعمال نه باید کرد۔

(۱۷) گوشت مرغ و ماکیان با ماهی نخورد۔ و پسته و بادام یکجا نه خورد

(۱۸) شیر و انار یکجا نخورد۔ و به شهد و حلوه یکجا نکند

(۱۹) و میوه تازه گرم و سرد نخورد۔ و هرکه بر گرمی آب با شیر سرد خورد
بالضرور به مرض نقرس مبتلا شود۔

(۲۰) و هرکه بسیار ترش خورد بر چهره او ریش و داغهای سیاه نمودار شود

(۲۱) و هرکه بعد فصد اشیای شور خورد به مرض بهق مبتلا خواهد شد

اوقات ریاضت

وقتیکه معده و جگر از غذا خالی شود و ثقل بعرق فرو رفتن شروع به اعضا بی
دیر نوم فراغت شده باشد و در وقت [illegible] و پیشاب خالی [illegible]
آنوقت برای ریاضت مناسب است۔ والا اخلاط خام در بدن منتشر [illegible] گشته
سده ها پیدا خواهند کرد۔ و چون سده ها سخت شروع بر [illegible] تحلیل
پس به ریاضت لازم خود حرکت کنند و دیگر [illegible] تمام ایلاج کنند
و چون بدن از اخلاط ردیه مملو باشد و بدن اتفاق بیمار [illegible]
شود پس اخلاط متحرک شده زیاده می شوند و بسیار جاهای می گیرند
[illegible] پرشده مسدود گردند و موت ناگهانی یا غشی لاحق شود

ولی وارد اسباب لازم هست که مرض فتق تا رسیدن حتی خطا اینجا به خصیه‌ها
بسیار قلیل یک کدام حتی گردد —

مباشرت

اگر کثرت جماع رعشه در جسم ضعف قوت باه تاثیر بر معده و ضعیف شدن و تنفس مشکل با تیره‌شدن
و باعث تولید می‌شود درد سر و خفقان و ضعف جگر و ضعف گرده‌ها مستقل
شروع شکسته و نسیان و فالج و لقوه و رعشه و باعث ضعف اعصاب
و ارتجاع می‌شود و هیچ عضو از مضرت کثرت جماع خلاصی نمی‌یابد —

معالجات سرعت انزال و ضعف جماع

(۱) انزال از افراط منی و تحریک جماع لذت بسیار است — علاج حبس منی
منی غلیظ و ضعیف در افراط منی — علاج حبس بعد از تنقیه بدن که اسهال و قی
آب غوره و سکنجبین و آب انار ترش استعمال کنند و نسخه ذیل
استعمال نمایند — تخم کاهو، تخم خرفه یک کدام ده درم — اسپغول
کشنیز خشک یک کدام سه درم — کافور نیم درم همه را کوفته
بقدر سه درم هر روز تا یک هفته بخورند —

نسخه

(۲) درد جماع و رقت منی — علاج حبس آن کلد و شیر با ادویه گرم و معتدل استعمال کنند
و گوشت بریان و گلابدر و تلمیه که بر اینها ... زیره و شکر
اندر خمیره یا شهد — دیگر تخم پیاز بست تخم شلغم — گلنار سیر یک یک جزء
از مجموعه بقدر سه درم همراه سکنجبین استعمال کرده شود —

درشبت یعنی شوره بالخصوص اگر در زنان شنید کرد

(۳) گرمی و تیزی منی - علامتش تندی و گرمی منی - و بوقت خروج منی در مجرای آن سوزش پیدا کند - علاجش استعمال اغذیه و اشربه بارده و تخم خرفه و تخم کاهو و استعمال کافور و نیلوفر و ریشه -

(۴) سبب ضعف گرده - علامتش آنکه بعد خروج منی ضعف کمر می شود - علاجش [illegible] و گوشت بره و حلوا و شهد و حلوای روغن و روغن گاو

مهیجات و مقویات باه

اصل بهترین ادویات مقوی باه زردی تخم مرغ است و این زردی نیم برشت و پیاز و زردک و شلغم - لیکن باقلا و نخود و شقاقل و ترکیب باید داد - و مغز بادام - و مغز پسته - و مغز چلغوزه - مغز نارجیل - چار مغز - شیر تازه - تخم حلبه - بچه کبوتر - گنجشک - روغن ماده گاو - کباب انجیر - منقی - شهد همه مفید باه اند

نسخه مسمن معمول باه

۱ مغز بادام شیرین مقشر — مغز پسته مقشر — مغز فندق — مغز گردکان
مغز چار مغز — تخم خشخاش — شقاقل — انجیر خشک — همه را گرفته
بکوبند در روغن زرد سرخ کرده سه چند آن قند سفید بالا زیته میده نموده
در آن آمیخته علی الصباح بقدر سه اوقیه در شیر تازه انداخته جوش
داده تناول کنند —

دیگر

۲ پیاز سفید در روغن گاو بریان نموده بعد زرده تخم مرغ انداخته تناول نمایند —

ایضاً

۳ تخم خشخاش کوفته در شیر تازه تر کرده یک شب [illegible] بعد آن را
در روغن گاو بریان نموده (مجرب گشته) با زرده چند عدد حب الصنوبر خورد
نموده مخلوط بر حلوا خوب پخته در شهد مصفا معجون ساز ند —
[illegible] و مصطکی روغن هم [illegible] به [illegible] بقدر
[illegible] شند —
[illegible] مغز [illegible] باشد

۴ ایضاً تا گیفه مثل خلیفه نباشد — تخم مغز [illegible] در روغن گاو بریان [illegible]
برای تخم مرغ [illegible] [illegible] باشند —

۵ حلوای مقوی چلغوزه [illegible] تخم [illegible] مقشر — تخم [illegible] همه
گرفته کوفته [illegible] گاو بریان کنند — [illegible]

آمیخته مجموعه را در کاسه شکر نیز اضافه کرده که به شهد قوام کنند —
دو درم مشک نیز اضافه کنند —

6 **ایضاً** شکر تری — شیره تازه — آب تازه ملک ساده گرفته بر آتش به قوام آرند — هر صبح تقدیر بقدر ادویه تناول کنند —

7 **ایضاً** — زنجبیل — دارفلفل — تودری سرخ و سفید — تخم شقاقل ساییده گرفته بر [illegible] هر روز چند این همه ادویه مقصود حاصل شود

8 **ایضاً** اگر صرف زنجبیل دو ماشه با آمیخته در طعم خلط کنند قوت میکند نهایت مقوی است —

اشربه مقویه باه

1 **شربت انجیر** انجیر خشک با پوست نصف پنج سیر — تخم حلبه ۳۰ درم گرفته انجیر را شسته صاف نموده در آن لک ... بار انداخته که چهار رطل آب باشد در ظرفی سرپوش ... گذارند دیگر با ... تا ... چهار ... بگذارند تا که قوت انجیر به آب آید بعد جوشش ... صاف نموده آن آب را در دیگ انداخته نصف ... شهد خالص آمیخته باشد تخم بلبوس — تودری سرخ و سفید ... درم — زنجبیل ... دارچینی — جوز بوا — جوتری — جبر ... هر یک ... درم همه کوفته در خرقه ... بسته در دیگ انداخته در ... آن خرقه را ... بجوشانند تا که اثر ادویه در آن آب آید باز خرقه را ... همه را جوش ... به قوام ... در ... شیشه ...

شربت زردک

— زردک سفید را گرفته بشویند و در دیگ کنند

و حلقه سه درم اضافه نموده در دیگ شیر آب انداخته دیگر

نشسته که یک و نیم برابر در آتش نرم بجوشانند چون چهار

حصه می شود بالا آتش بگیرند و بعد از آتش یک برابر

شهد زرد را به نسخه الخبر آمیخته تا طرز شربت الخبر بقوام آرند

و در دیگ طبخ بعد آب زردک — شیره انگور نیز اضافه کنند

ضمادات

(۱) سنبل — موکهه — رائی — زرد چلی — سداب بیخ — اصل السوس کوفته

را در شیر تازه تر کنند — بعد چون شیر جذب شود باز آب چاه و شیر تازه گاو

بدان انداخته باشد چون آن نیز جذب شود پس شهد آمیخته بر

سر ضماد کنند — و نیز بر اطراف ریش

(۲) چرلی تازه ها دیگر انداخته پیاز نرگس عقرقرحا — مویز منقی کوفته

آمیخته در چرلی با مویز در ضماد کنند تر بسیار منفعت حاصل شود

طلای ملذذ

زنجبیل — سیر چینی — عقرقرحا — انگوزه را با شهد آمیخته بر سر

طلا کنند که ملذذ به موعث بغیر [illegible] عجیب خواهد کرد —

یا اینکه عقرقرحا — زنجبیل — دارچینی همچنان کوفته در روغن شهد

آمیخته عجب زود دهد عجب [illegible] بر سر

ضماد نموده [illegible] —

فتح آلو بخارا - مشید صفراوی است خصوصاً با آب گرم ناشتا. مغز بادام اصلاح او
کرده باشند در طبیعت به مرتبه ضرر نمی رساند.

در کتب ادویه مفرده بسیار تعریف شده مقوی است لیکن نفاخ - گرم است بعضی گفته اند
ملین طبع است - شلغم کثیر الغذا و مقوی باه و در گشنی الغذا جشم بگرم نفاخ است
بریانی کثیر الغذا است مگر بطی الهضم - کباب دیر هضم است با دارچینی لعاب بادام بوده.

سیرة المصطفیٰ ﷺ

از ابن جریر طبری

(۱) دوران ابتدائی - ولادت آنحضرت در ماه ربیع الاول تاریخ نهم سنه ۵۷۰ عیسوی
بعد جلوس نوشیروان کسری - وفات والد ایشان در حال طفولیت عمر نُه ماه
وفات والده ایشان در شش سالگی بعد ولادت - سفر شام بعمر دوازده سالگی -
تعمیر کعبه بعد بیست و پنج سالگی.

(۲) بعثت و دعوت بعمر چهل سالگی مبعوث گشته اند بشش سال بعد عام الفیل عمر شریف ...

(۳) اولاد - از بطن بی بی خدیجه الکبری چهار دختر زینب رقیه ام کلثوم فاطمه و سه پسر
طاهر طیب قاسم - و از بطن ماریه قبطیه یک پسر ابراهیم تولد شده پسران همه
در طفولیت وفات یافتند - زینب به نکاح ابوالعاص بن ربیع و رقیه به عقد عتبه
ابن ابی لهب بودند - پس نزول سوره تبت - بگفته ام جمیل حماله
الحطب پسرش عتبه را طلاق داده - رقیه به نکاح عثمان درآمد بعد از وی
ام کلثوم به عثمان داده شد و به همین سبب ذوالنورین لقب عثمان بود.

(۴) وفات آنحضرت ﷺ دوازدهم ربیع الاول سنه ۱۱ هجری در مدینه بوده.

لتنقیة الرحم

مشک - زعفران ہر دو را بعد طهر یکجائی جوشش داده لته بیالایند
ملطخ نموده در قُبل حمول کنند۔

مضیق فرج

عود - مازو سوخته - رامک - دارچینی - اقاقیا - قرنفل
و قرنفل مشک ہمه را سائیده با ابریشم دار و سوخته تر کرده زیر الادویه
پاشیده حمول کنند۔

دیگر

مازوی خام - قطاع اللاذخر - صمغ سوسن در خمر جوش یافته لته بیالایند
ملطخ نموده حمول کنند۔

در بیان اغذیه سریع الاستحاله

ہر غذائیکه لذیذ و بلیغ و معتدل باشد سریع الاستحاله می باشد۔ مثلاً گوشت ماکیان و
ہم گوشت ها سریع الاستحاله است۔ دیگر شیرہائی نصف اول حیوانات و بالخصوص [illegible]
مثلاً گوشت گردن و سینه و ذراع و دست بهضم است۔ و بر اجسام دیگر گردن فضول است
و لحوم ماکیان کوہی نسبت به جنگلی و جنگلی به بستی اینها سبکتر و کم بو تر می باشد۔

در خواص قلیه ها و ادام ها

اسفیدبا یعنی شوربا (یخنی) معتدل است۔ و سکباج - البته مخرب است را اندر ماست
با آب غوره بپزند۔ قلیه ها و غیره کثیر الغذا است مگر دیر هضم است
لیکن با گوشت و روغن بادام اکثر باید خورد که ضرر نرساند۔

خلفای راشدین الاربعه

(۱) حضرت ابوبکر پدر ام المؤمنین عایشه خلیفه اول ۲ سال ۳ ماه و چند روز خلافت کرد

(۲) حضرت عمر امیرالمؤمنین ده سال ۶ ماه و چند روز خلافت کرد

(۳) حضرت عثمان جامع القرآن ۱۲ سال کم ۱۲ روز خلافت کرد

(۴) حضرت علی چار سال و ۹ ماه خلافت کردند

حضرت رسول خدا فرموده بود که بعد از من تا ۳۰ سال خلافت خواهد بود و بعد از آن بادشاهی خواهد شد در وقت وفات حضرت علی سی سال ۶ ماه در سی سال باقی بود و چون حسن بن علی را اصحاب عقلا کم دیدند تا ۶ ماه ملک را به معاویه تسلیم کرد

خلفای بنی امیه

معاویه در اول بنی امیه بود که ۱۹ سال و ۳ ماه سلطنت کرد و یزید ۳ سال و ۸ ماه و در این سلسله چارده کس سلطنت کردند

بنی عباس

از اولاد عباس سفاح بودند هارون رشید از این طبقه بودند

قراءت

در حدیث است که نزل القرآن علی سبعة احرف کلها شاف کاف . ابوعبید گفته
که مراد از هفت حرف هفت لغات است . لیکن نه اینکه در هر کلمه کل
هفت لغات یافته می شود بلکه معنی این است که در قرآن این هفت لغات
یافته می شود یعنی بعض کلمات به لغت قریش و بعضی به لغت هذیل و بعضی
به لغت اهل یمن . و درین اختلاف چنین است که کسی همزه را به اشباع می خوانند
و کسی ادا را تخفیف یا حذف می کند و کسی اظهار و مد می کند و کسی ادغام میکند
و در بعض مقامات در حرکات و سکنات اختلاف قراء است و در حروف مثلا
جائیکه دو حرف متقارب المخرج باشند مثلا سراط و صراط یا کلمه
بسبب اختلاف حروف جدید معنی شود لیکن مقصد از هر دو معنی یک چیز باشد
چنانچه درین آیه و ما هو علی الغیب بضنین یعنی ضنین را ظنین هم خوانده
که معنی تهمت زده است و ضنین معنی بخیل است لیکن مقصد از هر دو یک چیز است
یعنی علم شان و تعلیم جناب سرور کائنات .

در اسمای قراء

(1) قاری مکه امام عبد الله بن کثیر است که شاگرد مجاهد بن جبیر بود و او شاگرد
جناب ~~رسول الله~~ عبد الله بن عباس و او شاگرد ابی بن کعب و او
شاگرد جناب رسول الله بود .

(۲) قاری اہل مدینہ امام نافع بن عبد الرحمن کہ شاگرد ہفتاد تابعین بود

کہ منجملہ ایشان مکی ہرمز بن اعرج است کہ شاگرد ابو ہریرہ و ابن عباس

و ابی بود این ہر سہ شاگردان جناب سرور عالم بودند۔

(۳) قاری شامیان امام عبد اللہ بن عامر یحصبی است کہ شاگرد مغیرہ بن ابی شہاب بود

و او شاگرد عثمان بن عفان و او شاگرد جناب سرور کائنات۔

(۴) قاری بصریان امام ابو عمرو بن علاء است کہ شاگرد مجاہد و او شاگرد ابن عباس

و او شاگرد ابی و او شاگرد رسول اللہ بود۔

(۵) قاری کوفیان امام عاصم بن بہدلہ است شاگرد زر بن حبیش و او

شاگرد عبد اللہ بن مسعود و عبد الرحمن سلمی و او شاگرد امیر المومنین

علی بن ابی طالب بود۔ و قرأت ما بروایت حفص از عاصم مروج است۔

(۶) حمزہ در علم قرأت بسیار ماہر بود

(۷) کسائی در علم قرأت بسیار کامل بودہ۔

وجوہ قرأت

قرأت شہیرہ این است کہ دال الحمد للہ بر فع دال و لام للہ مکسور باشد لیکن بعضی

دال الحمد للہ منصوب کردہ و حسن بصری دال و لام ہر دو مکسور خواندہ

تا کہ اعراب دال تابع لام للہ باشد و ابراہیم بن ابی عبلہ ہر دو مضموم خواندہ

و زمخشری ہر دو قرأت ابراہیم را پسند کردہ تا کہ مبنی تابع معرب شود

مقامات وقف کفر

آن مقامات که وصل به عقیده وقف کند کفر لازم می شود آن این است

(۱) ما انتم بمصرخی انی کفرت بما اشرکتمون من قبل اگر بر کفرت وقف کند .

(۲) الا انهم من افکهم لیقولون ولد الله - اگر بر لیقولون وقف کند کافر شد

(۳) ولا انا عابد ما عبدتم اگر بر ولا وقف کند - کفر است

(۴) لقد کفر الذین قالوا ان الله ثالث ثلثة اگر بر قالوا وقف کند کفر است .

(۵) قالت الیهود عزیر ابن الله - اگر بر یهود وقف کند کافر نیست .

(۶) در سوره فاتحه اگر ایاک را به اعتقاد تشدید نکند کفر لازم می شود .
چرا که ایاک بلا تشدید به معنی شعاع آفتاب است پس معنی چنین ظاهر بود که
ما پرستش شعاع آفتاب می کنیم .

علم الحدیث

فن حدیث بلحاظ اسناد صحیح - حسن - مرسل - غریب - ضعیف و مجہول کا
اور بلحاظ رواۃ علم اسماء الرجال اور جرح و تعدیل کی ضرورت ہوتی ہے -
حدیث کے الفاظ کی تفسیر علم غریب الحدیث ہے جیسے زمخشری کی کتاب
فائق بہت مشہور ہے - ہم یہاں حل طلب تاویلی احادیث

(۱) در بیان حدیث ان الله خلق آدم علی صورته یه من نسبت فی الروح
من اضافت - الله نفخ فیه من روحه و الله من عزو لطفه فعده عزیز

(۳) حدیث من رآنی فی المنام فقد رآنی فان الشیطان لا یتمثل بی -

Scanned with CamScanner

حضرت پیغمبر کی زیارت کا شوق اور ان کی محبت دل میں ہو تو
ان کو خواب میں نہیں دیکھ سکتا اور یہ شوق روحانی حاصل
ہوتی ہے نہ کہ شیطان کی طرح لیے خواب سچ اور درست ہو گی۔
(دس) جس جگہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کی مہر نبوت مبارک پر یہ لکھا ہوا
کہ بران کلمہ طیبہ نوشتہ بود کہ سلطان القدس طلع بود۔

اسماء الرجال

(۱) در مردان اول کسے کہ برسول اللہ ایمان آورد ابابکر صدیق بود و در خوردگان
زید بن حارث و در اطفال حضرت علی بعمر ۹ سال و در مستورات حضرت
خدیجہ بنت خویلد الکبریٰ ام المومنین رضی اللہ تعالیٰ عنہا۔

(۲) اول طفلے کہ در اسلام تولد شد عبد اللہ بن زبیر بود در مدینہ بعد ہجرت شد
بطن اسماء بنت ابی بکر۔ مردم می گفتند کہ یہود جادو کردہ اند کہ
مہاجرین بچہ نہ شود۔ بعد ولادت عبد اللہ بن زبیر مسلمانان بسیار خوشی
کردند۔

(۳) اول کسیکہ در راہ خدا کافر را کشتہ گردان سعد بن ابی وقاص بود کہ
پیغمبر در حق او فداک ابی و امی فرمودہ نہ غیر ندیدہ در حق
کسے نفرمودہ بودند

(۴) اول شہید در اسلام عمیر بن الحمام الانصاری بودہ کہ بعد جنگ بدر
شہادت یافت۔

(۵) اول زنیکه در اسلام شهید شد سمیه مادر عمار بن یاسر بود
که از برائے ایمان خود در نگرد ابوجهل او را به نیزه کشت۔

(۷) اول کسیکه خطاب امیر المومنین حاصل کرد آن حضرت عمر بود
چونکه حضرت ابوبکر را خلیفه رسول خدا می گفتند حضرت عمر
گفت که اگر مرا خلیفه خلیفه رسول الله بگویند بسیار دراز می شود
مغیره بن شعبه گفت که ما همه مومنانیم و تو امیر ما هستید پس
تو امیر المومنین هستید همه صحابه به یک اتفاق کردند۔

(۶) حضرت معاویہ ہر سال دس لاکھ درہم امام حسن۔ امام حسین عبد اللہ
بن جعفر اور عبد اللہ بن عباس علیحدہ علیحدہ ہر ایک کو دیا کرتے
تھے

تاریخ

حضرت علی اور معاویہ کی مخالفت۔ حضرت عمر نے اپنی عہد خلافت میں حضرت معاویہ کو
ملک شام کا حاکم مقرر کیا تھا۔ جب خلافت حضرت علی کو ملی تو انہوں نے معاویہ کو
معزولی کا خط جریر بن عبد اللہ کے ہاتھ روانہ کیا۔ معاویہ نے کہا کہ حضرت
علی کی اطاعت اس وقت مجھ پر واجب ہوگی کہ وہ قاتلین عثمان کو میرے
حوالہ کریں تاکہ میں ان سے عثمان کا قصاص لوں۔ اور اہل شام کو اس بات پر
ترغیب کرکے علی کی مخالفت پر آمادہ کیا۔ اور یہی بات جنگ صفین کا سبب

سب ہوگئی۔ معاویہ کا سپہ سالار عمرو بن عاص تھا جن کی فوج کی تعداد
نوے ہزار تھی اور حضرت علی کے لشکر پر دھاوا۔ اشعث بن قیس نے حضرت علی
کی طرف سے مقابلہ کر کے مخالف کو روک دیا۔ پھر سخت لڑائی ہوئی ہزاروں آدمی
ایک ہی رات میں قتل ہو گیا۔ عمار بن یاسر مارا گیا۔ عبداللہ بن عمرو نے
عمرو بن عاص سے کہا کہ ہمارا حملہ کا سبب نہیں۔ کیونکہ نبی رسول اللہ صلعم نے
عمار کو کہا تھا کہ گروہ باغیہ سے قتل ہوگا۔ معاویہ کو یہ بات پہنچی تو انہوں نے کہا
کہ عمار کو اسی نے قتل کیا ہے جو اس کو اس لڑائی میں لے آیا۔ یہ سن کر
لوگوں نے کہا اگر یہی بات ہے تو حضرت حمزہ کا قاتل حضرت رسول خدا ہوئے کیونکہ وہ آپ کے ساتھ
جنگ احد میں گئے تھے۔ اور جب عمرو بن عاص لشکر شام کو شکست کا ڈر ہوا
اس نے ایک حیلہ کر کے قرآن کو نیزوں پر اٹھا لیا۔ حضرت علی نے قرآن کی وجہ
سے اپنا لشکر لڑنے سے روکا۔ اور پھر شامیوں کی طرف سے عمرو بن عاص
اور علی کی طرف سے ابو موسیٰ اشعری صلح کے ثالث مقرر ہوگئے۔ عمرو بن عاص نے
ابو موسیٰ سے کہا کہ ہم دونوں علی اور معاویہ کو معزول کر دیں۔ پہلے تم اعلان کرو
اور تم بڑے اور معتبر ہو رسول اللہ کے صحابی ہو۔ ابو موسیٰ نے
خطبہ پڑھ کر کہا کہ جو علی کو اللہ کی خلافت کا سبب ...
سمجھتا ہوں کہ معاویہ کو معزول کرتا ہوں اور میں علی کو بھی ...
علی کو خلافت سے ایسا علیحدہ کرتا ہوں جیسے اپنی انگلی سے انگوٹھی کو۔
اس کے بعد عمرو بن عاص نے کہا کہ میں معاویہ کو برقرار رکھتا ہوں جیسے انگوٹھی پہنا دیا کہ

عمر بھی جہمی رہا بعد میں تو قرآن پر ایمان ہوا آخر بعمر ... معاویہ کو مل گیا۔
اور وہاں ملک شام میں ہی مقیم ہو گیا۔

ابو مسلم مروزی

شیعہ تھا مرو کا رہنے والا مشہور اور بہادر تھا عباسیوں کو ملک دلایا تھا۔
ابو جعفر منصور خلیفہ ابو العباس کے بھائی نے اپنے عہد میں مروزی کو قتل کر دیا۔

علم المغازی

(در غزوات رسول الله)

(۱) **جنگ بدر** — ۱۷ رمضان ۲ سنه دو ہجری۔ تعداد صحابی ۳۲۰ سه صد و بیست بودی
۳۸ سی و هشت انصار بودند از قبیله اوس و یکصد و شصت خزرج بودند
در لشکر ایشان همه صد بر یک کس بیش مقداد ابن عمرو سوار بود۔ و تعداد کفار یکهزار بود
در لشکر ایشان صد سوار بودند۔ مسلمانان مظفر شدند و کفار شکست یافته
هفتاد از کفار قریش کشته شدند و هفتاد اسیر گشتند۔ علی بن ابی طالب عاص بن سعید و
ولید بن عتبه را قتل کرد و عمر بن خطاب خال خود عاص بن هشام بن مغیره را
کشت و حمزه بن عبد المطلب عتبه بن ربیعه را قتل کرد و ... عبد الله
بن مسعود ابو جهل را هلاک نمود و از مسلمانان ۱۴ نفر شهید شدند و مهاجر
و هشت انصار۔ و در همان سال ماه صفر کتخدائی علی بن ابی طالب با فاطمه واقع شد۔

(۲) **جنگ احد** روز شنبه ۱۷ شوال در ۳ سنه ہجری بوده
کفار بسبب ذلت جنگ بدر تقریباً ۳ سه هزار جمع شدند که ...

در صف یک دسته سه هزار نفر پیش بودند و همراهان حضرت رسول خدا
صرف یکهزار نفر بودند — دسته سه صد منافق همراه عبدالله بن ابی سلول بود و
بعداً ایشان صرف ۷۰۰ سپاه بودند — رئیس کفار ابوسفیان بود رسول الله
بر ابوسفیان پیش کرده بعداً بر حمله — در حضرت علی طلحه بن عثمان
را که علمبردار مشرکین بود قتل کرد — و زبیر در مقابله دیگر کفار پیش
کرده ایشان را شکست دادند — در این حال مسلمانان به غنیمت مصروف شدند کفار
حمله نمودند — خالد بن ولید که از شجاعان عرب بود در آن وقت مسلمان نشده بود با عقب حمله
بر لشکر مسلمانان را پراگنده کرد — در این جنگ حمزه عم پیغمبر و دیگر هفتاد نفر
مردان شهید شدند و دندان و چهره مبارک حضرت رسول خدا زخمی شد (و شکست خوردند)
وحشی حبشی غلام جبیر بن مطعم حضرت حمزه را شهید کرد زن ابوسفیان
جگر حمزه را کشیده بدندان خائید — در این جنگ شهدا بسیار بودند و ایشان را
شهید نمودند آنچه که بسیار منحوس جنگ بود —

در سال ۵ هجری جنگ خندق (۳) سبب این بود که رسول خدا یهودان را از
مدینه اخراج کرده بود — یهود به مکه رفته به قریش اتحاد کردند —
و القریب ده هزار مرد جمع شده لشکری ابوسفیان به مدینه آمده محاصره کردند
و لشکر اسلام سه هزار بود — پیغمبر به مشوره سلمان فارسی گرد لشکر خندق کندند
در مقابله صرف تیر اندازی بود — حق باد تند ضعیف لشکر کفار را مسلط کرده
دشمنان را پراگنده نمود —

(۴) **غزوه بنی لحیان** در همین سنه هجرت بعد ماه ربیع الاول آنحضرت شش نفر را
هم پیش بانجا فرستاده بودند که رفتند بعضی را کشتند و بعضی را به
دشمنان مکه به مکه بردند که او به ابوسفیان کشته شد او خود تحریک کردند.
بهانه سال ششم هجری پیغمبر بود که قصد ... صحابه
طرف ابوسفیان روانه شد. لیکن کفار در سر کوهها پراکنده مخفی شدند
لهذا به مدینه باز گشتند.

۶ در همین سنه سلاطین اطراف یعنی کسری و قیصر و نجاشی و غیره را آنحضرت
برای تبلیغ خطوط روانه کرد.

۷ صلح حدیبیه نیز در همین سال واقع شد.

(۵) **غزوه خیبر** — یهودیان آنجا یهودیان را ... آنحضرت اسلام را
دعوت کرده ... گفتند که ...

(۶) **غزوه وادی القری** در همین سنه بعد غزوه خیبر واقع شد. در این سفر وادی القری
آنحضرت مع اصحاب آنجا به تجلیب رفتند که تا صبح ... بلال
... نیز ...

(۷) **سریه خبط** اصحاب که ... از آن اشیاء را ... می کردند.
... تا ... پیدا شد گر ... قریش ...
... کردند ... اصحاب ...
... همراه ... به پیغمبر ... خوردند.

سید طیب الحیدری T.B علاج دق سل

برای دق و سل نسخه مجرب حضرت است

که جراثیم را هلاک میکند و کمی سرعت دارد و بلغم و ریم را پاک می کند

۱) اجوائن — گل مغز کشنیز — کافور — ال... ادلیل کشیده اند

۱ حصه ۱/۱۶ حصه ۱/۱۶ حصه ۲ حصه

کرده بدل کافور با شیحته استعمال کنانند — ... مواد ... سفید و ...

دقیه و سل و ریم را ... و بلغم ... می شود — و جراثیم خنازیر ...

۲) نمک گل و مغز کشنیز نمک اجوائن و مغز کشنیز بجمع کافور ...

... دو ... و خنازیر ... نظر ... روز ... بوش ...

یک اجوائن درد کافور دو گل کشنیز سر شش ... هیچ را تشخیص ... قطره ... بعد

جراثیم خنازیر ... را کند مرده ۱/۱۶ ۱/۱۶ ... ۲

... سید کبیر ... الاسعدی

... علاج ...

با ... — ... شهد روغن ... حصه ... را ... با ... ...

بار با ... حصه ... یک قطعه ... بالای ... ...

... چار ... آتش ... روغن ... سوخته ... ...

... الله ... — ... الکسیر است —

فرح تاریخ هانسی حصار

سید نعمت الله ولی و میر حسین برادر جلال الدین بعهد سلطان شهاب الدین غوری همراه لشکر به هندوستان آمده نعمت الله در جنگ پتهورا شهید شده که قبرش در قلعه هانسی است و جلال الدین حسین در قصبه برواله بود تا حصار مالک الملک بود

توهانه

قصبه ایست مشهور در ضلع حصار که توهانی پتهان بآن منسوب اند

برواله

قصبه ایست در ضلع حصار منسوب براجه بل و نیز موضعی در افغانستان است

قطب صاحب هانسوی

لقب شیخ جمال الدین نبیره سلطان مظفر است که در سنه ۵۵۸ همراه سلطان شهاب الدین غوری مع دیگر لواحق بعهد سلطان سنجر قلعه هانسی را [کرده] اینجا توطن گزیده و اهل بلاد را از انجا مصروف بود و بار دست ارادت بشیخ فرید الدین گنج شکر گنج الله قطب هانسی شده اند در ۲۱ ماه شعبان سنه ۶۷۰ هجری بحق واصل شده اند که مزار ایشان در هانسی بیرون دروازه قطب است.

پسران ایشان برهان الدین و نبیره منور الدین و نبیره نور الدین نور

حضرات پاکپتن گویند که مزار هر چهار درویش گنبد و معروف به چار قطب است
موضع قطب پور شیخ کبیر متوفی است ولادت ۱۲۰۰ ۵ شعبان عرس
قطب الدین صاحب می شود که از اولاد چار قطب چندین خانواده درین شهر مانده
که به پیرزاده مشهور اند – سجاده نشین مزار را دیوان می گویند
چرا که مزار هان اللهی اند که سلسله شیخ فرید الدین شکر گنج مسند نشین به طریق
دیوان ذات ... شیخ قطب صاحب بود و هر سلسله ... هم
نمی گردید آن مانده نمی شود چنانچه سلسله شیخ ... را جدا کرده یا کرد
حضرت فرید شکر گنج در بیرون این سلسله شیخ احمد صابر کلیری است

حصار فیروزه

در سنه ۷۵۷ هجری سلطان فیروز شاه به سبب آب و هوای مطبوع که اسمعیل نام حافظ
صحرا للبین اینجا قلعه ساخت و این قلعه تعمیر کرده شهر آباد – که ... دهلی ... معلوم
۱۰۲ کروه واقع است

بانگر

ملک ... و ... بانگر می گویند چرا که
زمین گذشته ... گذشت ... – در ... این ریگستان ... است

میرپانه

ملک ... در ضلع ... شیر ... ضلع ... مطلع
... ۶۵ کروه ... ۶ ۳ کروه

وجہ تسمیہ در اینجا نیز این است کہ چون جنتریان را جمع کرده قتل کرده بود
بہری بہبان برخی ستر گشتن علاقہ دیانہ جمع کردن را رخنہ جنجوعہ
زنند خود اندر گذر کردن بود ۔ و در اینجا بہ شیہ بود کہ گن را ماہر یا بین کرده

قوم رائین

رائین مخرج محمود راجپوت جنجوعہ بیان می کنند رائین را ایلکار دبابار
گیند مع محنت کش قوم ہیں ۔ شنی شمسلات

رعیت رائین دہین لائین

کمبوه

مخرج دکن عکس لشن لہ کہتر ہاں است وطن الرائین پنجاب است ۔

گوجر

نقل سمن محمود راجپوت بیان می کنند بسبب مالسی دکا دجو الی رائین را گوجر گفتند

پرسوئیلہ

سیفے لیث در محلہ پرسام اثار قاتی کھتریان است ۔

ددگر

کوہستان عشقہ حمین را گویند ۔

الگر دیہہ دلاگریل

منسوب بہ راجہ الگر جنجوعہ شمس ستی دلی جموں اند

رجات

ان کا سرنٹ شیو کی جٹا سے پیدا ہونے کی بات سمجھا گیا ۔

کٹک

نام نوعی از ملک جهارکهنده که در عهد محمد شاه ملک الاعالی ... می کند -

بھٹنیر

این قلعه معروف بھٹیان نیست بلکه معروف راجه بهر ... است در سلطنت تیمور

بھٹنده

نیز در صفحه جهار ...

شیر خان زنگانی خان معظم مخاطب به جگر

در سنه ٦٦٢ بعهد ناصر الدین محمود شاه بن شمس الدین التمش حاکم ولایت ... بود

در وقت مغولان جگری که در قلعه ثابت نگاه می داشت می کرد -

بهئی

در جبر ... جادو سنسکرت ... جیند ... اند - بهئی نام ... ملک هندوستان ... [illegible]

جیبی جنس ... کرده -

اجودهن در کوهستان جوده ...

به جادو ... است -

۳) اژدهای ملوچ که گرشاسپ در جانوران نوع اند - که به هندوستان بلوچ
بلوچ شده اند - گرشاسپ در کوهستان - موضع کوهستان در کوه هند
یادگار گرشاسپ در الان در افغانستان و هند -

۴) نمرود شاه با سپر گوشتی بوده - در قدیم سلطنت الله گرشاسپ از جزیره
تا مصر بود -

۵) ارقان با نه نوع بزرگ رسیده ... شکسته ... سر ... چشم بود
چشمه ... گرشاسپ بشنه - چنانکه فردوسی علیه الرحمه گوید
شاه ارقان ... که سینه چهره ... آفرین -
در چشمش ... مانند ... خون -

نیناس ... است که ... آن ... شدند
دراین ... شاهی ... است ... دشمن

(۱) ... کرده ... است
(۲) ... اند ... است

آباد شدند —

خرابی نینوا در شهد

در سنه ۶۱۲ ق م بابلی با مدی و سیتها (ماده) متفق شده سلطنت نینوا را تباه کردند —

یورش سیتهیان بر مصر

در سنه ۶۳۰ ق م سیتهیان در ماده تسلط یافتند و دیگر ریس شاه ناحیه را شکست دادند — و چندین حصص آسیا را تاراج کرده ۲۸ سال برآن مسلط ماندند تا به سرحد مصر رسیدند سامی تیکس فرعون مصر بدایشان هدایا داده ایشان را برگشت کرد

سلطنت فرعون مصر بر کرکمیش

در سنه ۶۰۰ ق م فرعون مصر النکو شهر کرکمیش (مفتوح) سرحد فلسطین گذشته با بابلیان روبرو شد و در جنگ کرکمیش که بر ساحل غربی فرات واقع است شکست خورد و فلسطین را از دست داد

در همین سنه بخت النصر که از فلسطین به مصر رسید بود لکن دامن فرعون را گرفت دلها دست دراز کرکمیش شد —

در سنه ۵۸۱ ق م فرعون هوفرا بر فنیشیا و فلسطین قبضه کرد — صدقیاه شاه یهودیه با او اتحاد کرده برعایت آن عهد پیمانی که یک سال پیش با بخت نصر کرده بود شکست — در عین که بخت نصر صدقیاه را از ورود عسکر مصریان منع کرد تا اینکه در سنه ۵۸۰ ق م بخت نصر اورشلیم را غارت و ویران کرد و آماسیس فرعون مصر را مطیع کرد — مصر تا زمانیکه کلدیان می رسیدند

در سنه ۵۱۲ ق م کمبوجیه سلطنت مصر را تحت ایران در آورد ...

منسوب به قسطنطنیه [illegible] عثمان‌ها [illegible] یکی از [illegible] بصورت معرب
را ایشان در اینجا [illegible] هر [illegible] قسطنطنیه نامند

قومی است که در هند بوده که در علاقه جهلم سکونت [illegible] [illegible] سکونت [illegible]
چنانچه بهاالدین [illegible] شهید است —

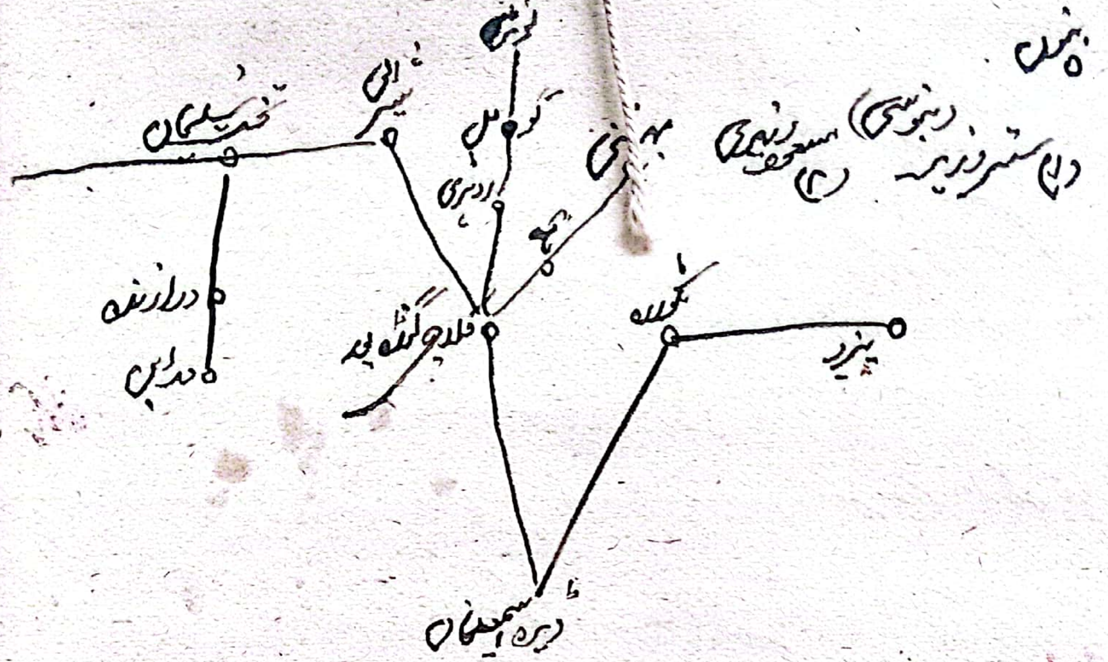
افغان منسوب به سروان نام موضعی نزدیک شهر [illegible] اسلاف [illegible] شیرازی
اند که اینجا بوده اند —

قومی است مشهور که از عرب بادیه نشین [illegible] بخارای واقع طرابلس الغرب که الان
در حقیقه ایطالیه [illegible] به گروه [illegible] اند (قوم مغربی است) که در [illegible] قوم مغربی (سلمانی)
نیز [illegible] است — دیگر سلمان فارسی [illegible] ایرانیان [illegible] کرده در علاقه سلمان [illegible] جزیره

[illegible]

یعنی دودانی
اینها مراد از اهل صوبه [illegible] کلمات است که [illegible] یونان اند اینها [illegible] —
در سنه ۱۸۵۶ م آتیناکس شخصی از اهل صوبه یونان آمده بنیاد سلطنت
آرگس ([illegible]) در اینجا قایم کرد — دیگر شخص انجیلیس نام سلطنت سکیل قایم کرد
علاقه ارکوشیا در افغانستان [illegible] فرقه اسکیتیان [illegible] سواته [illegible] بوده
این [illegible] یعنی کلمات [illegible] در عهد [illegible] هخامنشی بودند در عهد [illegible] در سنه ۱۹۲۲ [illegible]
یعنی این [illegible] به یونان [illegible] شدند در عهد [illegible] کلمات [illegible] مختلفه
او طن گرفته — [illegible] ترس [illegible] به صقلیه (سسلی) دیگران [illegible] گرفته

شہر ۵ بیان



دیتر پیر آباد کردہ زبیدہ زوجہ ہارون رشید است ۱۲

ہر اور ویکن کسپیر دریاے گویند کہ نہ بمعنی اول برابر بعد است مجمع الجزایر یونان

و جزایر انجیلس زور نیس کہ در بحر روم واقع است کہ اقوام مختلفہ فنیشیا و درومی و قسطنطی

و میانی و غیرہ بود پرورش کردہ بود - مجمع جزایر انجیلس بطرف شرق یونان شرقی بعض است کہ الکہ جد

در بحر روم واقع است - مجمع الجزایر الیونیس بطرف غرب یونان و شرق ایطالیہ بعد بحر روم واقع است

بر ساحل غربی ایشیا کوچک قریب وردانیال ترابی شہر قدیمہ یونان واقع است

اینجا با سعود بس مابین بحر اسود و بحیرہ روم کہ بر کنار غربی آن قسطنطنیہ واقع است

راہ دریا ہیرس گستہ است شہر گورتا و لندصویہ جا چیہ بر کنارہ زنیورجی گردد کہ در درکوش

بہ لوا ہست تہمان اینجا رفتہ بود

رومانیا ہسپانیہ ۵ ۳ کہ مسلمان ۵ ۲ ایشیا لبنان ۴۰ بکہ ابلد

طرابلس - آبادی زیادہ لکہ از قضی کہ جا بکہ عمومی مسلمان جا حلیہ بعض است ۲